



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
معاونت امور اقتصادی

مجله اقتصادی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شماره ۱
فروردین ۱۳۷۳
پرتال جامع علوم انسانی
سال نهم

نقدی بر نظریه‌ی وام متقابل در بانکداری بدون ربا

سید حسین میرجلیلی

تحریم ربا در قرآن مجید و بنا کردن اساس فعالیتهای اقتصادی بر پایه‌های محکم و استوار، مانند بیع و سایر فعالیت‌های صحیح و مفید از موضوع‌های مورد تأکید در شرع اسلام است. تحریم ربا تا بدان حد جدی مطرح شده است که رباخواری، جنگ با خدا و رسول خدا قلمداد شده است. در قرآن کریم می‌فرماید:

«فأذنوا بحرب من الله... و رسوله»

یعنی اگر رباخواری و معاملات و دیون‌روی را رها نکنید، به جنگ با خدا و پیامبر خدا اقدام کرده‌اید.

تأکیدی این چنین در قرآن، اقتصاددانان مسلمان را بر آن داشته تا برای جایگزینی ربا در نظام بانکداری جدید، نظریه‌هایی ارائه کنند.

یکی از نظریه‌ها و روش‌های ارائه شده برای حذف ربا از عملیات بانکی، روش وام متقابل در بانکداری است که بنا به اعتقاد طرفداران و ملابدان نظریه، قادر است ربا را از عملیات بانکی حذف کند. در سطرهای ذیل، پس از بیان نظریه و تبیین آن، به رد این روش می‌پردازیم و دلایل فقهی منع چنین روشی یاد خواهد شد. لازم به بیان است که توسل به حیل‌های فرار از ربا، نمی‌تواند ربا را حذف کند و اصولاً با تدابیر فرار از ربا نمیتوان نظامی غیر ربوی بنا کرد.

الف) تبیین نظریه:

این روش، ابتدا توسط شیخ محمود احمد که یک اقتصاددان مسلمان پاکستانی است در کتابی با عنوان: «به سوی بانکداری بدون ربا»^۱ آن را مطرح کرد و سپس در سایر کشورهای اسلامی طرفدارانی یافت و به تدریج در ردیف یکی از نظریه‌های بانکداری بدون ربا قرار گرفت.

در روش وام متقابل، الگویی از بانکداری بدون ربا ارائه می‌شود که در چند زمان متفاوت، مبلغی به عنوان وام به طور متقابل ردوبدل می‌شود. شیخ محمود احمد، نظام بانکداری بدون ربا در برخی کشورهای اسلامی مسانند جمهوری اسلامی ایران و پاکستان که مبتنی بر روش سهم‌بری در سود و زیان است را مورد می‌شمارد. اعتقاد بهودیان مبنی بر جایگزینی رهن به جای بهره را نمی‌پذیرد و روش جبران هزینه خدمات وام که توسط مسیحیان ارائه شده را به عنوان جایگزین بهره، قابل قبول نمی‌داند. زیرا معتقد است که در تمامی روش‌های متداول در بانکداری کشورهای اسلامی، در وام تسخیری حاصل نمی‌شود و تمامی انواع نیازهای متقاضیان را پوشش نمی‌دهد.

در رویه‌ی وام متقابل، بانک و مشتری دیون خود را مبادله می‌کنند. بدین ترتیب که مبلغ وام داده شده توسط بانک به مشتری، تبدیل به وام متقابلی خواهد شد که توسط مشتری به بانک داده می‌شود. با این تفاوت که دوره‌ی وام

اعطاشده توسط بانک نسبت به وام اعطاشده توسط مشتری، کوتاهتر است. برای حصول «ارزش وام» قرض داده شده، مبلغ وام در دوره‌ی بازپرداخت ضرب می‌شود. بانک و قرض‌دهنده، ارزشهای وام معادل خود را با یکدیگر می‌باید مبادله کنند. از این رو، میزان کاهش ارزشی که توسط وام‌دهنده تحمل می‌شود، معادل همان میزان منفعتی است که توسط قرض‌دهنده دریافت می‌شود.^۲

مثالی در این مورد وجود دارد که این شیوه‌ی بانکداری را در عمل تبیین می‌کند:

«قرض کنید یک فسرده، نسیانمند ۱۰۰ هزار ریال است تا آن را ۱ ساله بازپرداخت کند و با مبلغ دریافتی به کسب و کار بپردازد. در عین حال، معمولاً چنین افسرادی، خود دارای ۶۰ هزار ریال هستند. متقاضی، سالانه ۱۰ هزار ریال می‌تواند به بانک وام دهد و در مقابل، وام، ۱۰۰ هزار ریالی ۱ ساله‌ی بانک را بگیرد. از آنجا که وام ۱۰۰ هزار ریالی ۱ ساله‌ی بانک دارای همان ارزش زمانی وام ۶۰ هزار ریالی در ۱۰ سال است، از این رو با اعطای وام متقابل و ردوبدل شدن ۲ وام، یک قرض غیر ربوی صورت می‌گیرد»^۳

یکی از اشکالهایی که به روش وام متقابل وارد شده، آن است که هزینه‌ی عملیات بانکی ممکن است بدین ترتیب کفایت نکند.

طرفداران نظریه‌ی یاد شده از طریق افزایش ضریب زمان، مشکل را برطرف می‌کنند. بدین ترتیب، که:

«اگر وام متقابل، معادل ۶۰ هزار ریال به که به طور سالانه به بانک اعطا می‌شود، برای جبران هزینه‌های وام ۱۰۰ هزار ریالی ۱ ساله کفایت نکند، این امر در واقع مشکل حسابداری و تجربه بانکداری است و نه مشکل روش وام متقابل.»

راه حل این است که ۶۰ هزار ریال را در ۱۵ سال معاوبه کنیم که نه تنها هزینه‌های وام ۱۰۰ هزار ریالی ۱ سال را پوشش می‌دهد، بلکه هزینه‌ی بالا سری^۴ را جبران کرده و منفعتی نیز برای وام‌دهنده به‌جای می‌گذارد. البته در بانکداری بدون ربا به شیوه‌ی وام متقابل، نرخ بهره‌ی صفر^۵ پذیرفته شده و ترجیح زمانی به زیان پول بیان شده است.^۶ سرمایه‌گذاری در تسجوات، صنعت، بازار بورس و داراییهای واقعی، همگی روش‌های مختلف تبدیل زمان به پول است. از این رو به عهده‌ی بانک‌هاست که بهترین طریق سرمایه‌گذاری زمانی را انتخاب کنند.

ب) نقد و بررسی نظریه:

این نظریه، علاوه بر آنکه از لحاظ کارشناسی دارای اشکال‌های متعددی است، از نظر شرع مقدس اسلام نیز منع دارد. در ذیل به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بنا به دلیل اجماع و روایت امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص)، مبادله‌ی دو دین باطل است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

لا بیع الدین بالدین یعنی: بدهی با بدهی، مبادله نمی‌شود. طلبی که هنوز زمان تحویل آن نرسیده در برابر بدهی که وقت پرداخت آن نشده مبادله

نمی‌شود و اگر انجام شد، باطل است.

شایه آن، در یکی از اقسام ۴ گانه بیع^{۱۱} است که به نام مبادله کالی به کالی معروف است و مقصود از آن، این است که پول و کالا هر دو دارای مدت است. این معامله نیز در فقه باطل است.

آنچه در نظریه وام متقابل بیان شده، همان است که مبادلهی دین به دین گفته می‌شود. در واقع، یک بدهی مدت دار با وام کوتاه مدت مبادله می‌شود. از این رو، از نظر فقهی باطل است.

۲. در نظریه وام متقابل، اعطای وام (قرض) کوتاه مدت بانک به مشتری، مشروط به آن است که وی نیز به بانک به صورت دراز مدت قرض دهد. در حالی که با قرض مبلغ معین، قرض گیرنده مالک مال مورد قرض شده و قرض دهنده، دیگر مالک مالی که قرض داده شده نیست، تنها چیزی که باقی می‌ماند آن است که ذمه‌ی قرض گیرنده مشغول می‌شود که معادل مبلغ قرض گرفته شده را باز پرداخت کند.

به عبارت دیگر، «القرض هو تملیک العین علی وجه التفریم لامجاناً»^{۱۲} یعنی: قرض، همانا مالک شدن یک مالی است به صورت بدهکار شدن برای بازپرداخت آن نه به صورت مجانی.

بنابراین هنگامی که بانک مبلغی را به فرد قرض می‌دهد، آن مبلغ به مالکیت قرض گیرنده درمی‌آید و ذمه‌ی قرض گیرنده مشغول می‌شود که معادل آن را بازپس دهد، نه بیش از این. در حالی که طبق نظریه وام متقابل، علاوه بر آن می‌بایست قرض گیرنده، این شرط ضمن عقد قرض را بپذیرد، که مبلغ قرض گرفته شده را طی چند سال معین قرض دهد و این چیزی فسرتر از مشغول شدن ذمه‌ی قرض گیرنده است.

۳. یک اشکال فقهی دیگر این است که هر شرطی که برای وام دهنده، نفعی را متضمن شود، بیش از بازپرداخت اصل مال، آن شرط معامله را ربوی می‌سازد. در اینجا شرط وام متقابل قطعاً موجب نفعی برای بانک وام دهنده است و از این جهت نیز وام متقابل باطل است.^{۱۳}

۴. در عقد قرض، تملیک مال به قرض گیرنده صورت می‌گیرد و پس از سپری شدن مدت مورد نظر، قرض گیرنده مبلغ بدهکاری خود را بازپرداخت می‌کند. این بازپرداخت به صورت یکجا یا به اقساط می‌شود و باید، ولی در روش وام متقابل، قبل از آنکه بانک مبلغی را به مشتری وام دهد، وی آن را دریافت کند و مالک شود، بانک با مشتری وارد گفت و شنود می‌شود و دو ذمه‌ی که هنوز مشغول نشده، با یکدیگر مبادله می‌شود. بانک می‌گوید:

«صد هزار ریال به شما ۶ ساله وام می‌دهم، به شرط آنکه شما سالی ۱۰ هزار ریال به مدت ده سال به من وام بدهید.

در این صورت، با اینکه هنوز ذمه‌ی مشتری مشغول به وام بانک نشده، چنین شرط نادرستی می‌شود. البته پس از اعطای وام قرض الحسنه بازپرداخت آن به صورت ۱۰ قسط یا بیشتر می‌تواند انجام شود که امری متفاوت با نظریه‌ی یاد شده است.

۵. ارجحیت زمانی که در نظریه وام متقابل یا ارزشهای پولی بیان

شده، نمی‌تواند توجیه کننده‌ی «اخذ زیادت» در اعطای وام متقابل باشد. زیرا آنچه در اسلام پذیرفته شده، ارجحیت زمانی در اموال حقیقی است، از این رو گفته شده:

«إِنَّ لِلْأَجَلِ قِسْطًا مِنَ الثَّمَنِ» یعنی: زمان در قیمت کالا سهیم است و بنابراین قیمت کالای نسبه (خرید مدت‌دار) بیشتر از قیمت کالای نقد است. اما ارجحیت زمانی در پول که ارزش مبادله‌ی صرف است، پذیرفته شده، زیرا پول، مال اعتباری است و تقاضای آن اشتقاقی است و به همین جهت ارجحیت از زمانی، منشأ ارزش اضافی در قرض دادن پول نمی‌تواند باشد. در حالی که بنا به روش وام متقابل، ارزشی که برای بانک حاصل می‌شود بیشتر از ارزش وامی است که به مشتری پرداخت کرده است.

۶. در بحث کارایی نهایی سرمایه از نرخ «حذف»^{۱۴} سخن به میان می‌آید. بدین معنا که تا زمانی که بازدهی سرمایه‌گذاری در بازار بیشتر از نرخ بهره‌ی بانکی است، افراد پول خود را در بانکهای ربوی نمی‌گذارند و سه محض اینکه تولید و سرمایه‌گذاری بارگود مواجه شده و بازدهی آن کمتر از بهره‌ی بانکی شد، پول خود را در بانک ربوی می‌گذارند.

از این رو، نرخ بهره‌ی بانکی به صورت یک نرخ حذف عمل می‌کند و پایتشر از آن بازدهی وجود ندارد. طرفداران نظریه یاد شده، به نرخ حذف یا نرخ صفر اعتقاد دارند و بدین ترتیب فصد دارند از دام نقدینگی کینز اجتناب کنند که تنزل نرخ بهره، نوعی بازار سیاه برای وام ایجاد می‌کند. در حالی که پاسخی برای این پرسش ندارند که اگر نرخ بهره صفر است، بانکها با چه انگیزه‌ی میدارند به اعطای وام می‌کنند؟

آیا در نظام مورد نظر، دریافت متقابل وام انگیزه‌ی کافی است؟ یا اینکه همان ارزش اضافی که عاید بانک می‌شود انگیزه است؟

در حال، معتقدان به نظریه وام متقابل، سعی کرده‌اند با انحصار عملیات بانکی به قرض و ابداع روش قرض متقابل ربا را از عملیات بانکی حذف کنند، در حالی که در کارایی این روش و شرعی بودن آن تردیدهای جدی و متع قطعاً وجود دارد.

1. Shaikh, Mahmud Ahmad, "Towards interest-free banking", Institute of Islamic Culture, Lahore, 1989.

2. Time Multiple Counter Loan. 3. Profit - Loss Sharing (P.L.S)

۴. توضیح اینکه در حالت اول، بانک وام‌دهنده (Lender) است و مشتری قرض گیرنده، (borrower) و در حالت دوم برعکس می‌شود.

۵. شیخ محمود احمد «به سوی بانکداری بدون ربا» ص ۱۴۴

6. Overhead cost 7. Zero Interest Rate

۸. همان ص ۱۴۶

۹. رسائل الشیخ ج ۱۳ ص ۹۹ باب ۱۵ حدیث اول

۱۰. خرید و فروش (بیع) از یک نظر به ۴ نوع تقسیم می‌شود: نقد، نسبه، سلف و کالی به کالی.

۱۱. محمود عبدالهی، «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی»، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.

۱۲. این بند به پیشنهاد داور محترم به متن مقاله اضافه شد از آنجا که به فضای علمی مقاله افزوده است عیناً نقل شده است.

13. Cut off Rate